

اصل چهل و هشتم

اعطای درجات نظامی و نشان امتیازات افتخاری با مرادات قانون
مختص شخص پادشاه است .

اصل چهل و هشتم

انتخاب مأمورین رئیسه دوائر دوائی از داخله و خارجه بانصوب
وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نموده
باشد . ولی تعیین سایر مأمورین راجع پادشاه نیست مگر در مواردیکه
قانون تصریح میکند .

اصل چهل و نهم

صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است
بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید

اصل پنجاهم

فرمانفرمای کل قشون بری و بحری باشخص پادشاه است

اصل پنجاه و یکم

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است .

اصل پنجاه و دوم

عهد نامه هائیکه مطابق با اصل ۲۴ قانون اساسی مورخه چهار دهم
ذی القعدة ۱۳۲۴ استتار آنها لازم باشد ، بعد از رفع محظور همینکه منافع
و امنیت مملکتی اقتضا نمود بانوضیحات لازمه باید از طرف پادشاه
مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود .

اصل پنجاه و سیم

فصول مخفیة هیچ عهد نامه مبطل فصول آشکار آن عهد نامه
نخواهد بود

﴿ اصل پنجاه و چهارم ﴾

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر بانقضاء فرمایند .

﴿ اصل پنجاه و پنجم ﴾

ضرب سکه باموافقت قانون بنام پادشاه است .

﴿ اصل پنجا و ششم ﴾

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد .

﴿ اصل پنجاه و هفتم ﴾

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده .

﴿ راجع بوزراء ﴾

﴿ اصل پنجاه و هشتم ﴾

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد

﴿ اصل پنجاه و نهم ﴾

شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت منتخب شوند

﴿ اصل شصتم ﴾

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر موردیکه از طرف یکی از مجلسین احضار شوند ، باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول به آنها است حدود مسئولیت خود را منظور دارند

﴿ اصل شصت و یکم ﴾

وزراء علاوه براینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند

بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند .

﴿ اصل شصت و دویم ﴾

• عده وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد .

﴿ اصل شصت و سیم ﴾

• لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است .

﴿ اصل شصت و چهارم ﴾

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده

مسئولیت از خودشان بنمایند .

﴿ اصل شصت و پنجم ﴾

مجلس شورای ملی یا سنای می توانند وزراء را در تحت مؤاخذه و محاکمه

در آورند

﴿ اصل شصت و ششم ﴾

مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها میشود ، قانون معین

خواهد نمود

﴿ اصل شصت و هفتم ﴾

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت تاهه عدم

رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند ، آن هیئت یا آن

وزیر از مقام وزارت منعزل میشود .

﴿ اصل شصت و هشتم ﴾

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند

﴿ اصل شصت و نهم ﴾

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه

تمیز عنوان خواهند نمود ، و دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد ، مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دائره ادارات دولتی مرجوعه بشخص وزیر خارج و راجع بنخود وزیر باشد .

﴿ تنبيه ﴾

مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعده منساوی نائب مذاب محکمه تمیز خواهند شد .

﴿ اصلی هفتادم ﴾

تعمین تقصیر و مجازات وارده بوزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دوچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود .

﴿ اقتدارات محاکمات ﴾

﴿ اصل هفتاد و یکم ﴾

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه باعدول مجتهدین جامع الشرايط است .

﴿ اصل هفتاد و دویم ﴾

منازعات راجعه بحقوق سیاسیه مربوط بحاکم عدلیه است مگر در مواقعیکه قانون استثناء نماید .

﴿ اصل هفتاد و سیم ﴾

تعمین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه بر خلاف مقررات قانون تشکیل نماید .

﴿ اصل هفتاد و چهارم ﴾

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون .

﴿ اصل هفتاد و پنجم ﴾

در تمام مملکت فقط يك دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد .

﴿ اصل هفتاد و ششم ﴾

انضاد کلیه محاکمات عالی است مگر آنکه عالی بودن آن منحل نظم یا منافی عصمت باشد ، در اینصورت لزوم اخفای محاکمه اعلام می نماید .

﴿ اصل هفتاد و هفتم ﴾

در ماده تفصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق جمیع اعضاء محکمه بشود .

﴿ اصل هفتاد و هشتم ﴾

احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود .

﴿ اصل هفتاد و نهم ﴾

در مواد تفصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود .

﴿ اصل هشتادم ﴾

رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان هیونی منصوب میشوند

﴿ اصل هشتاد و یکم ﴾

هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تفصیر تغییر دائم مگر اینکه خودش استعفا نماید

﴿ اصل هشناد و دویم ﴾

تبدیل ماموریت حاکم مجکمه عدلیه نمیشود مگر برضای خود او

﴿ اصل هشناد و سیم ﴾

تعیین شخص مدعی العموم باتصویب حاکم شرع درعهده پادشاه است

﴿ اصل هشناد و چهارم ﴾

مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد .

﴿ اصل هشناد و پنجم ﴾

رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفه دولتی را نمایند مگر

اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد .

﴿ اصل هشناد و ششم ﴾

در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر

خواهد شد ، بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است .

﴿ اصل هشناد و هفتم ﴾

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد

﴿ اصل هشناد و هشتم ﴾

حکمت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دواتی بموجب مقررات

قانون محکمه تمیز راجع است .

﴿ اصل هشناد و نهم ﴾

دیوان خانه عدلیه و محکمه ها وقتی احکام و نظامنامه های عمومی و

ایالتی و ولایتی و بلدیرا مجری خواهند داشت که آنها مطابق باقانون باشند

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

﴿ اصل نودم ﴾

در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص

مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است

﴿ اصل نود و یکم ﴾

اعضاه انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب

میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی .

﴿ اصل نود و دوم ﴾

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجحه

بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره .

﴿ اصل نود و سیم ﴾

صورت خرج ودخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای

ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود .

﴿ در خصوص مالیه ﴾

﴿ اصل نود و چهارم ﴾

هیچ قسم مالیات بر قرار نمیشود مگر بحکم قانون .

﴿ اصل نود و پنجم ﴾

مواردی را که ازدادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود

﴿ اصل نود و ششم ﴾

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب

و معین خواهد نمود .

﴿ اصل نود و هفتم ﴾

در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده

نخواهد شد .

﴿ اصل نود و هشتم ﴾

تخفیف و معافیت از مالیت منوط بقانون مخصوص است

﴿ اصل نود و نهم ﴾

غیر از مواعیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی

﴿ اصل صدم ﴾

هیچ مرسوم و انعامی بخزینة دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون

﴿ اصل صد و یکم ﴾

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود .

﴿ اصل صد و دویم ﴾

دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ يك از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید .

﴿ اصل صد و سیم ﴾

ترتیب و تنظیم اداره این دیوان بموجب قانون است

﴿ قشون ﴾

﴿ اصل صد و چهارم ﴾

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید ، تکالیف و حقوق اهل

- نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون امت
- ﴿ اصل صد و پنجم ﴾
- مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود
- ﴿ اصل صد و ششم ﴾
- هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دوات قبول نمیشود و در قضاة
از قاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند، مگر بموجب قانون
- ﴿ اصل صد و هفتم ﴾
- حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب
قانون

— ﴿ سواد دستخط مبارك همایون ﴾ —

(بسمه تبارك و تعالی)

منتم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص همایون ما انشاء الله حافظ و ناظر
کلیه آل خواهم بود افتاب و اولاد ما هم انشاء الله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند
بود ۲۶ شعبان قوی قیل ۱۳۲۵

(در نصر مطلق طهران)

— ﴿ سواد دستخط مبارك همایون ﴾ —

(با)

تفتیش (۱) قانون مصوبه سیم مه ۱۹۱۱

(مطابق چهار شنبه غرة جمادی الثانیه ۱۳۲۹)

(مجلس راجع به تفتیش قرضه که از بانگ)

(شاهنشاهی شده بود)

(ماده اول) تفتیش عالی و واقعی يك ملیون و دوست و پنجاه هزار

لیرة استقراضی که از بانگ شاهنشاهی موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹

شده ، و تفتیش مخارجیکه برای این کار مطابق مواد اول و دوم و

سوم و پنجم قانون نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده در تحت

نظارت خزانه دار کل بوزارت مالیه سپرده میشود .

(ماده دوم) تا موقعیکه تشکیلات جدیدة وزارت مالیه ایجاد نشود

تفتیش اعمال و مخارج فوق الذکر موقتاً به يك شعبه که مخصوصاً تشکیل

میشود سپرده خواهد شد . شعبه مذکوره در تحت نظارت خزانه دار کل

خواهد بود .

(ماده سوم) در آخر هر ماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیاتی

راجه به استقراض را در ضمن راپورت تقدیم دوات مینماید .

(ماده چهارم) شعبه که در ماده دوم این قانون ذکر شده قام

مقام کمیسیون خواهد بود که در قانون جمادی الاولی ۱۳۲۹

مندرج است

﴿ ۲ ﴾ قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ ﴿﴾

﴿ پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ﴾

روز شنبه دهم و یک شنبه یازدهم با حضور وزیر مالیه و وزیر عدلیه و معاون وزیر مالیه ، و دو شنبه دوازدهم با حضور معاون وزیر مالیه و مستر شوستر خزانه دار کل ، راپورتیکه کمیسیون قوانین راجع بنظم و ترتیب امور مالیه پیشنهاد نموده بود ، مورد بحث و مطابق دوازده ماده ذیل ترمیم و جرح و تعدیل و بمجلس شورای ملی پیشنهاد گردید .

(ماده اول) خزانه دار کل ممالک محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است ، و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات و مخارج دولتی میباشد .

(ماده دوم) خزانه دار کل (هر قدر که زودتر ممکن باشد) تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار خواهد نمود .
 (۱) دفتر عالی برای دریافت و وصول مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتهائیکه من بعد برقرار خواهد شد .

(۲) دفتر عالی تفتیش و نظارت محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفاتر راجعه به آنها .

(۳) دفتر عالی معاملات تهدی که معاملات دولتی با بانک و اعمال راجعه بضرر سکه و صرافی و استقراض و سراجیه و استهلاك و

امتنحاله و امتیازات و قرار داد های مالیاتی و قرار نامه ها و اختیاراتیکه عایدات برای دولت حاصل مینماید ، و تعهدات پولیکه برای دولت منضمین باشد ، راجع به آن اداره خواهد بود .

(ماده سوم) خزانه دار در هر یکی از دفاتر سه گانه مذکوره در ماده دوم دوائر و شعبی را که برای جریان امور آنها لازم بداند دایر خواهد نمود .

(ماده چهارم) بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی بمجرد اینکه وضع مملکت اجازه بدهد خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یکی از ولایات لازم بداند برقرار خواهد نمود .
(ماده پنجم) خزانه دار کل مأمور نگاهداری محاسبات خزانه مملکت است ، و هیچ یک از مخارج دولتی بدون امضای حواله اعتباری پرداخته نخواهد شد .

(ماده ششم) خزانه دار کل نظام نامه هیئتی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مواد مذکوره در مواد فوق لازم است ، تدارک نموده پس از آنکه بامضای وزیر مالیه رسیده (و حیثیت قانونی پیدا کرد) لازم الاجراء خواهد بود .

(ماده هفتم) برای تشکیل هیئت تفتیشیه و نظارت مخصوص اعم از مستخدمین جدید در صورتیکه مستخدمین جدیدی لازم و قرار داد ایشان برحسب معمول به تصویب مجلس شوری برسد و یا مستخدمینیکه فعلاً در خدمت دولت ایران میباشند (ایرانی باشند یا خارجه) مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود .

(ماده هشتم) خزانه دار کل (به فوریت ممکنه بودجه دولت علیه را برای پیشنهاد مجلس شورای ملی باید تهیه نماید ، و تمام وزارتخانه ها

و مستخدمین دولتی مکلفند که بدون تاخیر با مشار الیه مساعدت نمایند
(مادهٔ نهم) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که
مقتضی باشد در (مصارف دولتی) و ادارات رسمی بعمل آورد و این
یکی از تکالیف حتمیهٔ مشار الیه است

(مادهٔ دهم) خزانه دار کل مکلف است که هر سه ماه یکمرتبه
راپورت مفصلی در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدوات
پیشنهاد نماید .

(مادهٔ یازدهم) خزانه دار کل تفئیش و تحقیقات لازمه در اصلاح
قوانین موجودهٔ مالیه و ایجاد منابع جدیدهٔ عایدات که مقتضی و
صلاح و مناسب دولت باشد خواهد نمود ، که بتوسط هیئت دوات بمجلس
شورای ملی پیشنهاد شود .

(مادهٔ دوازدهم) اختیار اجزای اداراتی که بموجب مواد فوق در
تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود باخود مشار الیه است .
معزز الملك رئیس افتخاری کمیسیون

لایحه قانونی فوق (در جلسهٔ ۲۴۷ مجلس شورا یکشنبه ۱۵
جمادی الثانیه ۱۳۲۹) سیزدهم ژون ۱۹۱۱ به اکثریت ۶۱ رأی
تصویب شد .

(جیبر)

مکتوب مستر شوشتر

خزانه دار کل ایران

﴿ بعنوان روزنامه [تمس] راجع بمناسبات دولت ایران ﴾
 (با دولتین روس و انگلیس)

(طهران)

﴿ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۹ ﴾

﴿ آقای مدیر روزنامه تمس ﴾

بوجب تلگراف روتر لندن مورخه ۱۷ اکتوبر (۲۴ شوال ۱۳۲۹) روزنامه تمس در یک مقاله اساسی اظهار میدارد که اظهارات اخیره این جانب راجع بضدیت دولت روس در موضوع اصلاحات مایه ایران و موافقت دولت انگلیس با روس ، در این مسلك خارج از انصاف و عاری از صحت است .

اگرچه مایل نیستم در این منازعات داخل شوم ، ولی اهمیت موضوع و اعتقادیکه بانصاف ملت انگلیس و مایللات حق خواهانه روزنامه [تمس] و مختصر نظریکه به نیکنامی خود دارم . مراتشویق بندگارش این مکتوب داشته تقاضا مینمایم ، در سائوهای روزنامه خود درج نمایند . در واقع این مکتوب حکایتی است از شمه ار وقایع و حقایق که در این پنجمانه اقامت من در طهران چه مستقیماً در تحت نظر خودم آمده و چه در معارذوانر دواتی بوقوع پیوسته است ؛

پس از مذاقه پطرفانه در این حقایق و گذشته از آنرایکه در بسیاری

از معاملات که شخصاً طرف بوده در خاطر من نقش بسته ، ولی در محکمه ثبوت پذیر نیست ، در عقیده مذکوره فوق راسخ اگر دیده ام ، و بدیهی است حقیقت امر را به تشخیص مردمان با فکر حواله کرده مطیع فتوای آنان خواهم بود .

در دوازدهم ماه مه (۱۳ جمادی الاولی) بمصاحبت سه نفر معاون امریکائی به یک منظور واحد که ایجاد اساس مبنی جبهه مالیه ایران باشد ، وارد طهران شدم . در سیزدهم ژون (۱۵ جمادی الاخری) مجلس لایحه قانونی را که خودم مسوده کرده بودم از آراء گذرانیده بموجب آن اختیارات تامه در امور مالیه بجزانه دار کل داده شد . مقصود از این قانون مملکتی که پس از مذاکرات جامعه از آراء نمایندگان ملت گذشت ، در واقع این بود که حالت اسفناک مغشوش مالیه ایران را در تحت نظم و ترتیب در آورد . هیئت وزراء و مجلس شورایی ملی تقریباً با اتفاق آراء آنرا تصویب نمودند . جای این بود دوی که دارای مصالح در ایران هستند بامیل به آنها ناسی نمایند . متأسفانه قضیه برعکس شد . اگرچه بدیهی است دلایل محکمه پذیری در دست نیست . معیناً جداً اظهار میدارم که براهین کثیری کافی موجود که روی هم رفته مینمایاند که مابین عده از سفارتخانههای خارجه در اینجا ریاست سفارت روس بندوبستی مخصوص بوده که مرا از اجراء قانون مزبور باز داشته و نگذارند ترتیبات عمومی جمع و خرج و محاسبات مندرجه در قانون مزبور مرکزیت حاصل نماید . بهانه های مضربه آنان بر علیه این ترتیبات بسیار سست و بی اساس بوده ، صریحاً مقصود آنها این بود که جلوگیری از هرگونه تغییر عمده در اوضاع قدیم مالیه ایران بنمایند . این تهاجم تهدیدات و مزاحمات و کلیه مخالفتهای آنان که حتی بمقام رسالت و حملات شخصی نسبت بمن و کوششهای خام در تخویف دولت ایران

تنزل نمود . اگرچه اسباب تأخیر کار واغتشاش بعضی اصلاحات مقدماتی
مالیه کردید ، ولی بکلی بی اثر ماند . از جمله تهدیدات آنها یکی این بود
که سفارتخانه مخصوص ، گمرکات شمالی را ضبط و برای وصول عایدات
گمرکی مأمورین از جانب خود بگمارند .

در ماه ژویه گذشته در تقض ماده ۱۱ مقاله نامه [پروتکل] ۷
سپتمبر ۱۹۰۷ روس و انگلیس و خصوصاً روس محمدعلی پادشاه مخلوع را
مجاز داشت که از خاک روس فرار نماید ، بدین معنی که روس از (تهیه
ترتیبات واقیه) برای منع محمدعلی از تحریکات سیاسی برضد ایران کاملاً
مضایقه نمود ، بدرجه که بموجب اظهارات ارشدالدوله که قبل از قتل داشته
است محمدعلی با همراهان خود باریش مصنوعی و صندوقهای تفنگ و توپ
باسم بار آب معدن از خاک روسیه عبور نمود . از یکی از بنادر روسیه
در یکی از جهازات روسی ، موسوم به [کریستفورس] با همراهان حرکت
نموده و تقریباً مقارن ۱۸ ژویه (۲۱ رجب) بحالت يك تاراجگر مکمل
مسلحی (درکش تپه) خاک ایران ورود نمود . گوئیم که این فرار از
روسیه حادثه غیر مترقبه بود و مأمورین تذکره روس در مدت مأموریت
خود یکبار بحالت غفلت بوده اند ، باید دید که روس واقعاً ازین حادثه متأسف
گردید یاخیر ؟ برخلاف آن ، همه در اینجا میدانند که نمایندگان رسمی روس
در ایران خبر ورود او را بخاک ایران بایک مسرت علنی تلقی نمودند . در
ضمن این مکتوب مدلل خواهیم داشت که نمایندگان مزبور حتی در طی مراسلات
رسمی خود بامورین ایران این مسرت را مستور نداشتند .

در تاریخ ۲۳ ژویه (۲۶ رجب) دولت ایران مراسله مشعر بااعلان
قانون نظامی بموسوم سفارتخانهها ارسال داشت ، اغلبی از سفارتخانهها بترتیب
معمول جواب نوشته و فقط خاطر اولیاء دولت را بیعضی از مواد عهدنامه

ترکمانچای جلب نمودند ، ولی سفارت روس از همان اول يك مسلك ديگر
 مختصت آمیزیرا ابراز و در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که دو اتروس
 حق دارد ، در هر وقت که بخواهد بعضی (از رعایای غیر قانونی خود را
 در حوادثی که فعلاً در شرف وقوع است شرکت نمایند) مستقیماً دستگیر
 نماید ، و در مراسله مزبور معلوم بود چه اشخاصی را در نظر دارند . مقصود
 اصلی دعوی مزبور در این موقع این بود که دست آویزی بسفارت روس و
 قونسلمایشان در تمام ایران بدهند که بمحض نسبت تبعیت روس هر ایرانی
 جنگجوی مشهوری را که بمساعدت دولت بر ضد محمد علی قیام نماید دستگیر
 نمایند ، هر گاه این تهدید دستگیری به تمام تبعه روس (که در این حوادث
 شرکت کنند) کاملاً مراعات میشد ، لازم می آمد بطوریکه در این مکتوب
 مشاهده خواهد شد ، اغایبی از خود قونسلمهای روس و مستخدمین قونسلمگریها
 را دستگیر کنند .

قونسول روس در رشت ازین هم تجاوز کرده و بدولت ایران اعلام
 نمود که عازم است هر کس را که تصور تبعیت روس در حق او برود
 دستگیر و در سرفرصت تحقیق کرده و تا آخر مدت این اغتشاشات نگاهبدارد .
 در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) که از تاریخ ورود او بخاک ایران زمانی
 نگذشته و هنوز پیشرفت محسوس در تسخیر مملکت ننموده بود ، روس و
 انگلیس مراسله متحد المال ذیل را که حاکی تصدیق حق مبارزت شاه مخلوع
 میباشد بدولت ایران ارسال داشتند . :-

• چون شاه سابق برخلاف نصیحتی که کراراً دولتین انگلیس و روس
 بایشان کرده اند که از هر گونه فساد در ایران احتراز نمایند مراجعت بایران
 نموده اند ، لهذا دولت انگلیس و روس تصدیق دارند که شاه سابق حق
 خود را از بابت مستمری که موافق [پروتکل] معین شاه بود باطل

نموده اند ، لیکن از طرف دیگر دولت انگلیس و روس چنین تصور مینمایند که چون شاه سابق در خاک ایران میباشد دولت انگلیس و روس نمیتوانند دخالت کنند . بنا بر این دولت انگلیس و روس اظهار میدارند که در منازعه که بدبختانه در ایران روی داده هیچگونه دخالتی نخواهند نمود . . .

این مراسم از طرف دوستان یکدولتی که بواسطه غفلت یا چیزهای دیگر ناشی از آنان دچار جنگ داخلی شده ، در حالیکه خود آنها صریحاً عهد منع این گونه حوادث را باو نموده بودند ، تسلیم و دلداری غریبی بنظر می آید . ولی اگر باز همین اعلان بیطرفی را رعایت کرده بودند حرفی نبود . در اینجا به بینیم بموجب اظهارات قبل از قتل ارشدالدوله نصیحتی که دولت روس بتوسط سفیر کبیر خود ، مقیم [وینه] بشاه مخلوع داده بچه مضمون بوده است ؟ . عین مضمون شرحیکه مخبر روزنامه [تمس] مقیم طهران که زبان فارسی را میداند و از زبان خود ارشدالدوله چند ساعت قبل از قتل شنیده و در روزنامه [تمس] مورخه ۱۱ اکتوبر درج است از قرار ذیل است :-

« آنوقت محمدعلی شاه و من در [وینه] ملاقات کردیم سفیر کبیر روس بملاقات ما آمد ، از او مساعدت خواستیم ، بجادفت که روس نمیتواند مساعدت نماید . روس و انگلیس قرار دادی راجع بایران بسته اند که نمیتوانند از آن تخلف نمایند و مصمم اند در امور داخله ایران بهیچوجه دخالت نکنند ولی از طرف دیگر میدان شما باز است ، اگر برای شما کاری نمیتوانیم بکنیم بر علیه شما هم کاری نخواهیم کرد ، خود شما باید بدانید که چه از پیشتان می رود ، اگر میدانید به تخت و تاج ایران میتوانید خودتان را برسانید اقدام کنید ، ولی بدانید که نمیتوانم شما را کمک کنیم ، و اگر از عهده

برنیاید ما مسئول نخواهیم بود . آنوقت ما بسفیر کبیر گفتیم چیزی که
 میتواند بکنید اینست که قرضی با بدهید ، جواب داد خیر ممکن نیست ،
 هرچه کردیم و مجدداً او را ملاقات نمودیم تکلیف ما را پذیرفت . هیتقدر
 با راهنمایی کرد که اگر شما سندی از بابت جواهرانی که در بانک استقراضی
 در طهران موجود است ، در دست دارید ، از آن بابت میتوانید پول
 دریافت دارید ، ولی ما چون سندی نداشتیم کاری از پیش نرفت .
 ممکن است (نصیحت دادن بشاه مخلوع که از تحریکات برضد ایران
 پرهیز نماید) بدین رویه باشد و ممکن است رویه دیگری داشته باشد و
 ممکن است سفیر کبیر روس که تاکنون منکر این ملاقات با محمدعلی
 نشده است از عزم پادشاه مخلوع که باسم خلیل قصد عبور از روسیه را
 داشته و نیز از نیات او بدولت خود خبر نداده باشد ، اما عموم مردمان
 بیطرف هر عقیده که در این موضوع دارند تغییر نخواهند داد .
 حال به بینیم مأمورین رسمی روس در ایران مورد جدال داخلی که
 باین ترتیب فراهم گردیده چگونه مراعات بیطرفی را نموده اند ، در روز
 ۲۹ زویه (۳ شعبان) قونسول موقتی روس در اصفهان بطوریکه معنی
 (عدم مداخله) را فهمیده بود صریحاً در صدد جلوگیری بروز حسدات
 ملت راجع بحفظ مشروطیت برآمده بکار گذار مهمام خارجه ایران
 در آنجا اینطور مینویسد . :-

موافق اطلاعی که بقونسلگری رسیده است حکومت جلیله اصفهان
 میخواهد جمعی از علماء واعیان و کسبه تشکیل دهند که بسفراء معظم
 دول خارجه در نخواستن محمدعلی شاه تلگراف نمایند ، و آمدن او را بایران
 پروتست نمایند . دوماً دار قبلاً زحمت اظهار میدارد ، بهر جا و بهر که
 لازم است مقرر فرمایند اعلام شود ، چون عمل ایران و ایرانیان است

بدون جهت زحمت سفارت سنیه و قونسولهای دولت بهیه روسیه ندهند .

وبعد از آنهم مجدداً مینویسند .

« بدون جهت در مسئله محمد علی شاه سفارت سنیه دولت روسیه را تصدیق و قونسولها را زحمت ندهید تکلیف کارگذاری در اخطار و تکلیف حکومت در جلوگیری و امتناع از این قبیل اتفاقات است ، و باید بمقام منع برآیند . » اظهارات فوق حاجت بتفسیر ندارد .

رشیدالملک تبعه ایران حاکم سابق اردبیل ، در موقعیکه بریاست اردوی دولتی مأمور بود ، خائنانه از جلو عدّه قلبی از شاهسون که همیشه طرفدار شاه مخلوع بوده اند فرار مینماید و برای این خیانت دستگیر و در تبریز محبوس گردید . در ۲۷ ژویه (غره شعبان) قونسول ژنرال روس در تبریز از نایب الایاله خلاصی او را مطالبه نموده و بعد از آنکه باو جواب داده می شود که رشیدالملک بر حسب حکم دولت محبوس است سیصد نفر سوار و سرباز مسلح روسی را بدار الایاله فرستاده مستحفظین ایرانی را زده و بنائب الایاله هتاک کرده رشیدالملک را از محبس کشیده با خود بردند ، و چندی نگذشت که همین رشیدالملک بیایان شجاع الدوله که تبریز را تهدید می نمودند ملحق گردیده ، در جواب اعتراض رسمی دولت ایران راجع باین مسئله ، سفارت روس رسماً بمسئولیت خود در صدور حکم بقونسول ژنرال تبریز اذعان نموده که برای جلوگیری از سیاست که میگفتند نسبت بر رشیدالملک بعمل خواهد آمد ، اقدامات لازمه بنماید . دیدیم چه اقدامی قونسول ژنرال مشارالیه بعمل آورده اقدامی که در مورد دو دولت متساوی القوه قطعاً منجر بجزک میگردد . فقط عذری که سفارت روس در مقابل این تخطی آورده این بود که نمایندگان دولت بکنوع

حاجتی برشیدالملك اعطاء نموده اند . حقیقت واقعه این است که اصلاً حکم سیامتی درباره رشیدالملك صادر نشده بود و حال آنکه اگر هم صادر شده بود روسها حق این تخطی را بهیچوجه نداشتند . پس از مذاقه نامه با سناد راجعه باین حادثه بدون هیچ تردیدی میگویم که کمتر رفتار استقلال شکنانه باین صراحت ممکن است بنصورت در آید .

در موقعی که شجاع الدوله برای حمله به تبریز تدارکات می دید و ساخلویان تبریز حاضر برای دفاع میشدند ، قونسول ژنرال روس مراسله بحکومت محلی نوشته مشعر براینکه ابدأ نباید هیچ قسم تدارکات دفاعیه نمایند ، در هیچ صورت درشهر نباید مبادرت بجنگ شود ، در صورتیکه در همان موقع یکنفر از تبعه روس بریاست پیش قراولان اردوی شجاع الدوله منسوب بود .

شجاع نظام حکومت مرند نیز بواسطه خیانت که دولت دستگیر کرده بود ، مأمورین روس اور الزحبس بیرون بردند ، شجاع نظام بعد از آن خود را در مرند برقرار داشته حاکم را دست گیر نمود مأمورین روس بعد از آنکه مشارالیه در کمپانی را جلفای تبریز مستخدم است در حمایت او مداومت دارند .

اهالی تبریز تلفات زیادی باشرار شجاع الدوله یاغی رسانده فرمانده عساکر روس در تبریز دسنة از قزاق روس را بمیدان جنگ فرستاده و در آنجا بضر اینکه زخم جزئی به پیشانی رئیس یکی از منازل خط راه وارد آمده (در حالیکه خود این شخص بمیل خود بحوالی جنگ رفته بود) هفت نفر از ژاندارمهای ایرانی را دستگیر نموده بسرباز خانه روس باسیری بردند .

وقتیکه مجال السلطان سردست اشرار میخواست وارد شهر اردبیل بشود

اهالی در صدد ممانعت بر آمدند و یسقونسول روس فوراً مأمور خود را موسوم باساعیل بك نزد نایب الحکومه و رئیس نظمیة آنجا فرستاده که این خبر دروغ را به آنها بدهد که محمدعلی با دوازده هزار قشون بیک منزلی طهران رسیده و اعلان عفو عمومی داده است و پایتخت را بحضرت اشرف سپهدار سپرده و معزی الیه هم قبول نموده است و اینکه نظمیة اردبیل منع کرده است که کسی اسم محمدعلی میرزا را نبرد غلط است، دوستانه بشما پیغام دادم که مسبق باشید بخود قونسولگری هم تعلیمات داده اند که مواظب نظم شهر باشد .

از همین قبیل اعلانات هم بتوسط جارچی در شهر انتشار دادند و باهالی آنجا اخطار کردند که شهر را برای فتح محمدعلی چراغان کرده و تدارك پذیرائی برای حاکم که از طرف او معین شده است بنمایند . بعد از این مقدمات مجال السلطان در تحت حفاظت فامحانه وارد اردبیل شده مرتکب اعمال و حشیانه گردید . پس از مختصر اقامتی در اردبیل مجال السلطان بشجاع الدوله ملحق گردیده و قوام السلطان را بسمت حکومت در آنجا گذارد . نیل (قشلو) که از اطاعت محمدعلی امتنکاف نمودند و یسقونسول روس برای سرکوبی آنها قزاق فرستاد .

فرمانده یکی از جهازات جنگی روس که مدتی در بندر گاه انزلی لنگر انداخته بود با اتفاق و کیل قونسولگری روس تمام جهازات تجارنی را که وارد بندر گاه میشد، نجسس کرده مسافرین را تفتیش و بعضی را دستگیر و بروسیه معاودت میداد .

وقتیکه محمدعلی شکست خورده متفرق شدند، عدّه کثیری از رؤساء آنها از قونسولگری روس در استر آباد پناه خواستند قونسول هم آنها را

پذیرفته و جداً از استرداد آنها بحکومت ایران برای سیاست استتکاف نمود .
 رئیس کمسیون روس در کنبد قابوس به (قمش تپه) رفته
 با محمدعلی کندگاش نمود ، و پس از آن بمحل مأموریت خود عودت نموده
 ترکمانهای تبعه ایران را با هدیدات مجبور بمساعدت با محمدعلی مینمود .
 رئیس کمسیون مزبور بعد به استرآباد آمده و خود را حاکم معنوی آنجا
 نموده است در حالیکه قشون محمدعلی بیرون شهر اقامت دارند .
 در بندر (جز) وکیل قونسولگری روس با عده قزاق روس مأمور سرحدی
 ایران را دستگیر کرده محبوساً او را با استرآباد فرستاد و به انواع وحشیگری
 با او رفتار کردند .

در رشت یکده از رعایای روس مسلح و بسردمائی پسر یکی از
 مستخدمین قونسولگری روس در آنجا يك نفر تبعه ایران را دستگیر کرده و
 او را تا شرف بموت زدند و اعلام داشتند که هر کس بکس یک نفر از
 صاحبمنصبان معین ایرانی که در آنجا بود بیاید گلوله خواهند زد .
 یکی از مستخدمین قونسولگری روس در رشت در این اواخر عده
 زیادی از اتباع روس را در خانه خود دعوت نموده و از عدم امنیت
 شهر صحبت بیان آورد ، چون این اقدام آری نبخشید و مقصود او
 علنی شد فراریهای روس را بمبار فرستاده ، اغتشاش برپا کنند .
 تمام برای اینکه اغتشاش پیدا کرده بعذر دفع اغتشاش قشون روس
 وارد کنند .

پس از حرکت محمد علی از سواد کوه یک نفر صاحبمنصب روسی
 بزم دیدن اردوی او به بار فروش آمده شش ساعت در اردو مانده
 باشش هزار تومان (بساری) مراجعت نمود .
 در موقعبکه دولت ایران در طهران یکی از مشایخ ارتجاعیون

مجدالدوله را در ۲۳ ژوئیه گرفت ، سفرای انگلیس و روس فوراً بحمايت او دخالت کرده استخلاص او را حاصل و فوراً مشارالیه را در سفارت منحصن کردند . اثریکه این اقدام در این موقع در قلب پرهیجان ایرانیان بخشید این بود که تصور نمودند که دولتین روس و انگلیس از محمد علی و ارتجاعیون حمايت دارند ، و بنا بر این پیشرفت دولت مشروطه را مشکلاتر نمودند .

تقریباً در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) وکیل قونسولگری روس در ازلی چند نفر را بعد از فراری دستگیر کرده و در همان زمان قونسول روس در رشت قزاق روس با اداره نظامیه فرستاده یک نفر از اتباع ایران را که توقیف بود بعد از اینکه چراغچی قزاقخانه است . مستخلص نماید . بموجب قرار داد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که مفاد آنرا دولتین غالباً پیش چشم ایرانیان می آوردند استقلال و آزادی ایران حاجت باین اعتراف ندارد ، معیناً با وجود این قرارداد روس غریب ترین عقیده را در تقاسبات بین المللی باسم (حق حمايت) در ایران تعقیب کرده و مینماید ، سفارت و قونسولگری های روس نه فقط دعوی حق مطلق نسبت بنام رعایای (قانونی و غیر قانونی) روس در تمام ایران میکنند بلکه نسبت بیک طبقه دیگری از مردم خصوصاً ارتجاعیون و خائنین معروف که تبعه مسلمة ایرانند ، دعوی حق حمايت داشته نمیکند خفیفترین اقدامی از طرف دولت ایران نسبت به آنها بی این که غضب و حس انتقام روس بجایش آید بشود ، این حمايت روس نیز آنها را از ادای مالیات بدولت ایران محفوظ میدارد و چون اغلبی از آنها بوسیله ترقیبات معلومه حکومت سابقه کسب ثمن نموده اند نه فقط باعث خسارت عمده مالیه ایران میشود بلکه اسباب ضعف دولت شده و مورت تشویق سایرین

در استنکاف از اداء مالیات حقه میگردد ، در بسیاری از موارد کار گذاران روس اشخاصی را که حمایت میکنند خود اقرار دارند که تبعاً ایران هستند . در موارد دیگر بهانه که در مورد تبعیت آنها می آورند بقدری غریب است که بتصور نمی آید ، مثلاً اگر کسی از سفارت روس بپرسد جداً توضیح نمائید که چرا بانوی عظمی شاهزاده خانم اصفهانی هزارها تومان مالیاتی را که چندین سال بدولت مقروض است نمی پردازد ؟ همچنین در مورد کامران میرزای معروف عموی شاه مخلوع ، و همچنین سئوال نماید در موقعی که در این اواخر نحصیلدار مالیات طهران اسب شاهزاده عزالدوله را برای پرداختن مالیات توقیف کرد چرا سفارت روس دخالت نمود ؟ از جوابی که میشود شخص سائل نمیتواند از خنده خود داری نماید ، گذشته از همه اینها حرف در این است که حتی رعایای خارجه هم در ایران از اداء مالیات محلی مستثنی نیستند ، اگر چه بعضی دعاوی بی اصل در تفسیر ماده چهارم قرار داد گمرکی میانه ایران و روس عنوان شده است . تظنیر تبعیت بموجب قانون ایران موکول با اجازه پادشاه است که بایستی از معجری رسمی بترتیبات معینه صادر شود ، معیناً دعاوی غریبی روسها بمیان آورده تعقیب می نمایند . فرضاً فلان تبعه ایران که بکوفتی در قونسولگری روس متحصن بوده ، حالا او را برعیتی روس میشناسند . یا اینکه فلان شخص بموجب حکم امپراطور روس که هیچوقت ابراز نداشته دعوی تبعیت روس میکند قواعد و قوانین تبعیت معمولاً از طریق مذاکرات و قرار داد های دوستانه ما بین دول متحابه صورت میگیرد نه اینکه این موضوع را دولت قوی آلت دست کرده شدیداً تضییع حقوق دولت ضعیف تری را فراهم آورده است